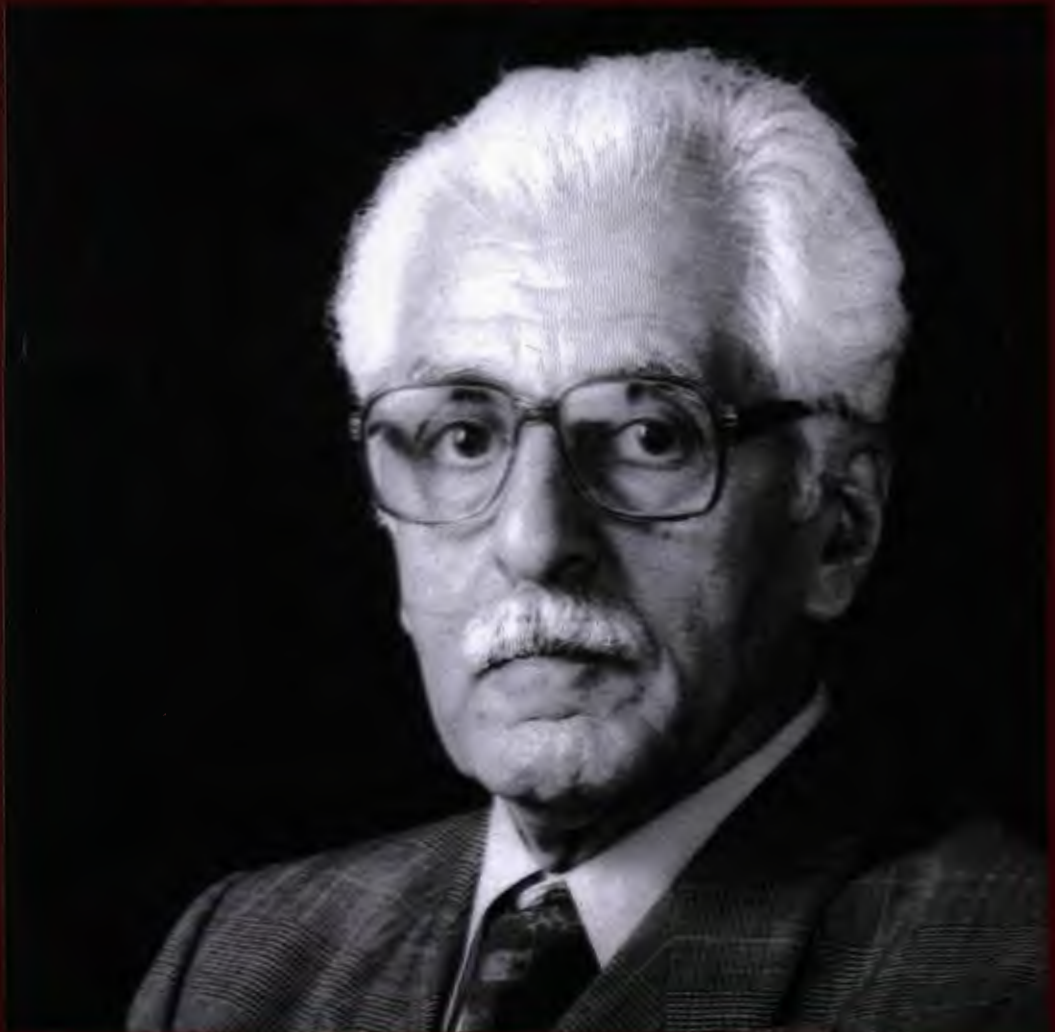


بخارا

شماره ۱۱۷ . فروردین - اردیبهشت ۱۳۹۶ . بیست هزار تومان

• عبدالحسین آذرنگ • محمود آموزگار • بریم ابدزاده • محمد افشین وفايي • سيدعبدالله انوار • حسن انوري • ابوذر ابراهيمي ترکمان • محمد استعلامي • محمدرضا باطني • نصرالله پورجوادي • محمد ترکمان • ياسين تقفي • مسعود حسيني پور • راضيه خجسته پور • بهاءالدين خرمشاهي • هاشم رجبزاده • سحر رحمتي • اکرم سلطاني • سيما سلطاني • داريوش شايگان • محمدرضا شفيقي کدکني • مسعود عرفانيان • محمدحسين عزيزي • فریدون علاء • سيروس علي نژاد • ريچارد فولتز • سيدمصطفي محقق داماد • ترانه مسکوب • مظاهر مصفا • غلامعلي ملول • يزدان منصوريان • محمدعلي موحّد • مسعود ميرشاهي • رضا يکرنکيان • گزارش هاي فرهنگي ، هنري و ادبي
جشن نامه دکتر سيدمحمد دبیرسايقي



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این شماره می خوانید:

نگاه ادبی

۱۰ ساختار ساختارها در چشم اندازی دیگر / محمدرضا شفیعی کدکنی

اسلام و ایران

۱۶ سی سال پس از پیغمبر (ص) (بخش سوم) / محمدعلی موحد

ادبیات جهان

۴۰ بحثی درباره «در جستجوی زمان از دست رفته» اثر مارسل پروست / داریوش شایگان

زبان شناسی

۷۱ پدیده زبان از دو دیدگاه (بخش پایانی) / محمدرضا باطنی

نشر و تمدن

۸۰ نشر و تمدن (۳) / عبدالحسین آذرنگ

۹۳ خواجه یوسف همدانی؛ مقیم رتبه دیدار / ابوذر ابراهیمی ترکمان

قلمرو فقه

۱۰۴ قلمرنجه (۳۶) (ملانقطی یا پیرایشگر؟) / بهاءالدین خرمشاهی

در حاشیه ایرانشناسی

۱۱۳ در حاشیه ایرانشناسی (۵) / محمد افشین وفایی
فروغی دروغی (۱۱۳) / مأخذ یکی از حکایت‌های عبید زاکانی (۱۲۵) / حافظ و شهاب‌الدین کرمانی (۱۲۷) / قصیده نوبافته سنایی در مأخذی دیگر با ابیاتی اضافه و ضبط‌هایی متفاوت (۱۲۸) / چند اصلاح در سفینه کهن رباعیات (۱۳۱) / نامه‌ای منتشر نشده از دکتر علی شریعتی به دکتر شفیع کدکنی (۱۳۲)

الادب و شه

۱۴۰ فلسفه شناخت: ارکان شناخت / غلامعلی ملول

در حواشی کتاب در ایران

۱۵۹ در حواشی کتاب در ایران (۷) / محمود آموزگار

چشم‌ناله دکتر سید محمد دبیرسیاقی

۱۶۹ کتابشناسی دکتر سید محمد دبیرسیاقی / احسان اکبری
۱۸۹ زندگی‌نامه خودنوشت / سید محمد دبیرسیاقی
۲۱۴ کوثر سراب / مظاهر مصفا
۲۱۶ از یاران دهخدا / حسن انوری
۲۱۷ استاد دکتر دبیرسیاقی و لغت‌نامه بزرگ فارسی / اکرم سلطانی
۲۲۰ مردی به قامت ادب فارسی / علی اصغر ارجی
هفتادمین سال آغاز همکاری دکتر سید محمد دبیرسیاقی با سازمان لغت‌نامه دهخدا /
۲۲۷ احسان اکبری
۲۳۱ یادی از استاد (سخنرانی در مراسم یادبود استاد محدث ارموی) / سید محمد دبیرسیاقی

- ۲۳۶ یادگاری از استاد بدیع الزمان فروزانفر / سید محمد دبیرسیاقی
- ۲۳۸ نام سراینده «ز گهواره تا گور دانش بجوی» / سید محمد دبیرسیاقی
- ۲۴۰ چند نامه آموزنده از شادروان دکتر محمد مصدق / سید محمد دبیرسیاقی
- ۲۴۵ چند نامه و یادداشت از استاد علی اکبر دهخدا / سید محمد دبیرسیاقی
- ۲۵۱ در سوگ ایرج افشار / سید محمد دبیرسیاقی
- ۲۵۳ نوروژ و نوبهار / سید محمد دبیرسیاقی
- ۲۵۶ گزارش شب دکتر سید محمد دبیرسیاقی / پریسا احدیان
- ۲۶۲ وصفی ندیدم درخور وصف او / سید عبدالله انوار
- ۲۶۶ و نادره‌یی از نادره‌کاران! / محمد استعلامی
- ۲۶۹ روان حکیم بزرگوار شاد باد! / سید محمد دبیرسیاقی
- ۲۷۵ ما را چه می‌شود؟ / رضا یکرنگیان

یادداشت‌های فیس بوکی

- ۲۸۰ یادداشت‌های فیس بوکی (۷) / نصرالله پورجوادی
- شمس مولانا (۲۸۰) / خدای اینشتن... (۲۸۲) / ایسم و رنگ لباس (۲۸۴)

یادداشت‌ها

- ۲۸۷ یادداشت‌ها (۳) / محمد ترکمان
- جوهر لعل نهر، نخست‌وزیر هند در باره دکتر مصدق چه گفت؟ (۲۸۷) / جمله‌ای راهبردی از کنشگر بزرگ اجتماعی و از بنیانگذاران نهادهای مدرن مدنی در ایران (۲۸۹) / نکته‌هایی در باره «نامه آخوند خراسانی به نائینی» (۲۹۰) / یک شب ستاره‌باران و بیاد ماندنی (۲۹۳) / توضیح (۲۹۴) / گفت‌وگو و مذاکره، بهترین شیوه حل اختلاف (۲۹۶) / شصت و یکمین سالگرد شهادت سخنگوی «دولت شفاف» (۲۹۷) / اهمیت وزارت خارجه و روابط گسترده خارجی از دیدگاه شهید مدرس (۳۰۰) / خوانش‌های گوناگون از حرکت امام حسین و مسئله توسعه در ایران (۳۰۱) / ما ایرانی‌ها در فضای مجازی، بیشتر مصرف می‌کنیم تا تولید (۳۰۳) / عباس کیارستمی: سرمایه نمادین (۳۰۳) / رفتار انسانی رئیس زندان قصر در دهه چهل و... (۳۰۴) / درگذشت پیر سید احمد گیلانی (۳۰۵) / نکوداشت مرحوم دکتر احمدعلی رجائی بخارانی (۳۰۶)

خاطرات

- لو خاطره یاد آورد! (خاطراتی از همایون صنعتی درباره سهراب سپهری و...) / سیروس علی‌نژاد ۳۱۰

۳۲۳

از چشمه خورشید (۴۲) / هاشم رجبزاده

در سوک کونیچی هاندا (۱۹۴۴-۲۰۱۶) (۳۲۳) / وصف هاندا به قلم زنده یاد استاد ایرج افشار (۳۲۵) / چند خاطره از کونیچی هاندا (۳۲۷) / خاطره‌های تاریخی استاد کاتشوفوجی (۳۳۰) / کماری، بازی نوروزی روحانیان شیتو (۳۳۴) / تمبر سال نو با تصویر ماکیان (۳۳۵) / نمایشی از سرعت و نظم سازندگی ژاپنی (۳۳۶) / افزایش دیدارکننده‌های خارجی از ژاپن (۳۳۷) / انبوه صد سالگان در ژاپن (۳۳۸) / اجرای حکم اعدام (۳۳۸) / کاهش بی سابقه جرایم (۳۳۹) / کوه فوجی در پائیز (۳۳۹) / رشد منفی جمعیت (۳۴۰) / تاریخ چین در جامع‌التواریخ (۳۴۰) / آب و جامعه ایران به زبان فارسی (۳۴۲) / ۶۰ کیلومتر راه فرودگاه در ۳۶ دقیقه (۳۴۲) / پیامد سونامی؛ قهر طبیعت و قصور مسؤلان (۳۴۴) / شهری با جمعیت اندک و پهنه‌ای گسترده (۳۴۴) / نام پسرهای خانواده بشماره ترتیب (۳۴۴) / جشن پاشویان در زیارتگاه شیتونی (۳۴۵) / یادگاری نفیس از ایران ساسانی در نمایشگاه امسال شوسوئین (۳۴۶)

ایران‌شناسی

۳۴۸

گفت‌وگو با دکتر همایون کاتوزیان درباره نشریه مطالعات ایرانی

۳۵۲

نشریه مطالعات ایرانی / یاسمین تقفی

۳۶۹

مطالعات ایران‌شناسی در روسیه / آکسی خیسما تولین / سحر رحمتی

۳۸۹

ریچارد فرای و تاریخ تاجیکان / ریچارد فولتز / سیما سلطانی

ادبیات و معاصر

۴۰۸

بزرگ علوی، بیست سال پس از فرو بستن «چشم‌هایش» / مسعود حسینی‌پور

یاد یار مهربان

۴۴۳

یاد یار مهربان (۸) / مسعود میرشاهی

جشن نوروز ۱۹۹۵ در پاریس (۴۴۳) / بغداد (۴۴۶) / از احساسات روانی دکارت تا احساسهای عاشقانه پاسکال. (۴۵۰) / نامه خسروان (۴۵۵) / خیابان تهران، کره جنوبی و شهر سنول (۴۵۹) / هزار و یک شب شعر پارسی در پاریس (۴۶۳) / شاهنامه فردوسی؛ در دانشگاه پرینستون (امریکا) (۴۶۵) / گنجینه دستنویسهای فارسی در ایروان (ارمنستان) (۴۷۱) / شاهزاده خانم بلخی (۴۷۷)

- ۴۸۰ یادداشت‌های یک کتابدار (۱۴) / یزدان منصوریان
راوی راستین زندگی (۴۸۰) / زمانی که روایت درنگ می‌کند (۴۸۲) / نیاز نویسنده به مهارت
آشنایی زدایی (۴۸۵) / پابندی به ناپایداری زندگی (۴۸۷) / بیج‌های پرخطر در مسیر نوشتن (۴۸۹)

ارمغان استغاثه

- ارمغان استاد شفيعی کدکنی برای هنرمندان سرزمین رودکی و... / ابراهیم خدایار ۴۹۴

گزارش شب دکتر فریدون علاء

- ۵۰۲ گزارش شب دکتر فریدون علاء / ترانه مسکوب
۵۰۶ رشکی که می‌برم... / سیدمصطفی محقق داماد
۵۰۸ ما به شما افتخار می‌کنیم / ایرج فاضل
۵۱۰ همیشه آینده‌نگر بودند / بهروز نیکبین
۵۱۳ ما همه «تو» بودیم و دکتر علاء «من» / سیروس امیری
۵۱۶ هر آنچه در توان داشته‌اند... / محمدحسین عزیزی
۵۲۰ بدون هیچ توقع و چشم‌داشت / فریدون علاء

پاک و پاکبود

- ۵۳۰ از تهران تا بدخشان / رحیم مسلمانیان قبادیانی / مسعود عرفانیان

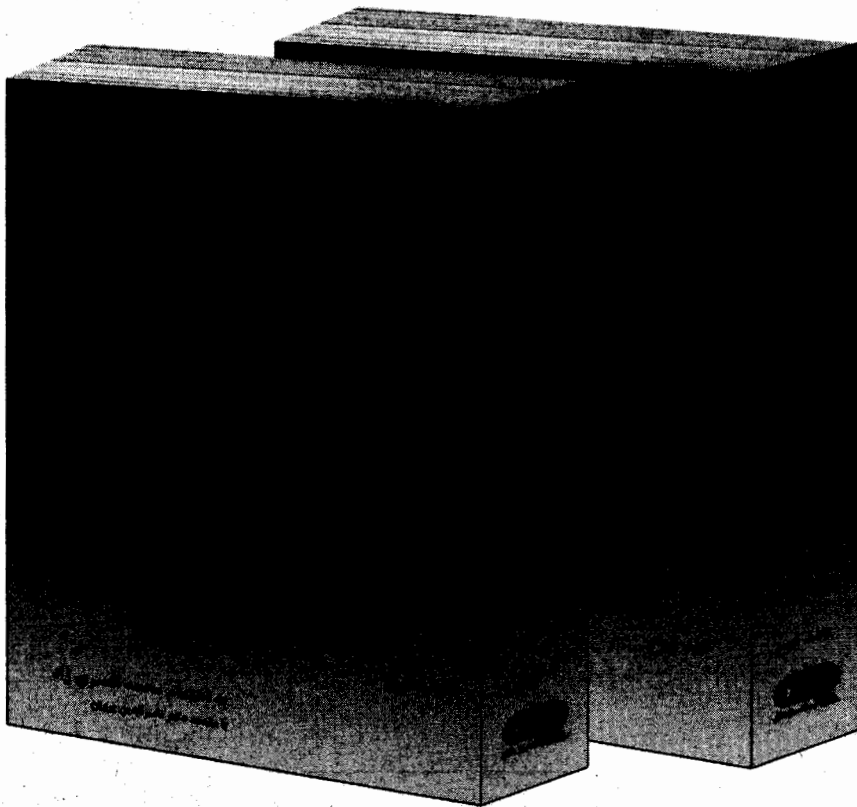
معرفی کتاب

- ۵۵۴ معرفی فهرست کتابخانه پروفیسور توشیهیکو ایزوتسو / راضیه خجسته‌پور
۵۶۰ نگاهی به کتاب «تاریخ طنز ادبی ایران» / مریم اسدزاده

مژده به دوستداران مجله بخارا

انتشارات رسانه ساز دانش منتشر می کند

فهرست توصیفی مجله بخارا از شماره ۱ تا ۱۰۰



* فهرست نویسی هر آنچه در بخارا منعکس شده است (بالغ بر ۱۲۰۰۰ مدخل)

* چکیده مقالات و نوشتارها

* استخراج نمایه ها در قالب شش دسته بندی

(فهرستواره، کتاب ها، مکان ها، نام ها، نام های داخل مقاله، نشریات)

*** پیش خرید با تخفیف ویژه ***

جهت پیش خرید با تلفن ۰۲۹۲۸۰۷۹۳ و یا همراه ۰۹۱۲۲۵۷۴۷۳۳ تماس حاصل فرمایند.

تقدیر ادبی

● ساختار ساختارها در چشم اندازی دیگر / محمدرضا شفیعی کدکنی

ساختار ساختارهای فرهنگی ایران عصر اسلامی، در قرن سوم و چهارم، در آستانه ورود به نوعی جهان بینی «یقین گرا» و «خردگرا» و اومانستی بوده است و گسترش اشعریّت و حمله غزها به بخش عظیمی از خراسان بزرگ (در نیمه قرن ششم) و کشتار بیرحمانه دانشمندان^(۲) و فتنه تاتار (در آغاز قرن هفتم) نخستین شکوفه های این چشم انداز فرهنگ را برای همیشه به غارت برده و نهال «یقین» را خشکانیده و درختهای تناوری از نوع بزرگان تفکر اشعری را درین باغ کاشته است و به جای «یقین» و «تجربه گرایی»، «حجیت ظن» را مسلط کرده است و به جای «عقل»، «خیال» را حکومت بخشیده است. بدبختی قوم ایرانی، و عملاً جهان اسلامی، وقتی تقریباً ابدی شده است که عقل ستیزی اشعری، در سنگر نفوذناپذیر قرائت هنری از دین (یعنی تصوف و عرفان) جای خوش کرده و از این موهبت لایزال برخوردار شده که «با آل هنر هر که درافتاد ورافتاد»^(۳) دولت سلجوقی و خلافت عباسی هم منافع خود را در گسترش این قرائت هنری از دین تشخیص داده است. ای کاش همه خردگرایان و معتزله (مانند فردوسی و ناصر خسرو) به این سنگر پناه برده بودند تا سرنوشت ایران و جهان دگرگون می شد.

(۱) برای توضیح فنی ساختار ساختارها، بنگرید به رستاخیز کلمات، درس گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورتگرایان روس، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن، صص ۲۵۵ - ۲۴۶.
(۲) نگاه کنید به تعلیقات اسرارالتوحید، چاپ انتشارات آگاه، ۴۵۰/۲ - ۴۵۵.
(۳) بنگرید به زبان شعر در نثر صوفیه، انتشارات سخن، چاپ پنجم، صص ۱۰۰ - ۷۸.

برای این که انحطاط عقلانی جامعه را در روزگار بعد از حمله تاتار به چشم بنگرید همین بسنده است که مقایسه‌ای کنید میان دو کتاب مفاتیح العلوم خوارزمی، تألیف شده در نیمه دوم قرن چهارم و کتاب تعریفات میر سید شریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶) که هر کدام در روزگار خود نماینده ذهینت عصرند و دیسکورس مسلط یک دوره را آیینگی می‌کنند.^(۱) اگر در قرن چهارم کسانی به جستجوی بزرگترین استاد علوم و معارف عصر برمی‌خواستند، با بودن امثال فارابی و رازی و بیرونی و ابن سینا، محال بود کسی خوارزمی صاحب مفاتیح العلوم را در کنار این بزرگان نام ببرد، ولی در قرن هشتم، همگان، میر سید شریف را به عنوان اعلم علما و استاد یگانه معارف عصر می‌شناختند، و حق نیز همین بود.

با اینهمه وقتی تألیف خوارزمی را - که یکی از بسیارها دانشمند روزگار خود بوده است - با اثر میر سید شریف - که علامه بلامنازع عصر نزد همگان شناخته می‌شده است - مقایسه می‌کنیم تفاوت واقعاً از «زمین» تا «آسمان» است.

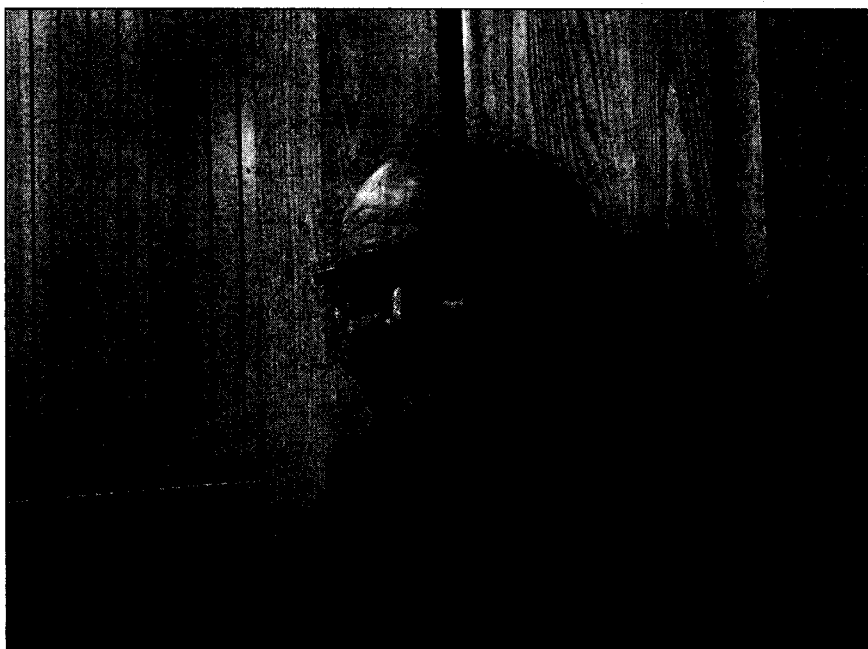
تلقی این دو مؤلف از مفهوم «معرفت» و «فرهنگ» و اطلاع‌رسانی می‌تواند موضوع تحقیقی مستقل باشد که با ورود به جزئیات و مواد بحث و روش تحقیق در مسائل، تمایز خوارزمی را - به عنوان یک «دانشمند» دوره رنسانس اسلامی، که میراث‌بر فرهنگ یونانی و ایرانی و هندی و سریانی است - در برابر میر سید شریف نشان می‌دهد.

یکی از امتیازات خوارزمی بر میر سید شریف این است که بخش اعظم اطلاعاتی که به ما می‌دهد، همگی، مربوط به زندگی و ضرورت‌های زندگی است. هیچ مدخلی که جنبه انتزاع و تجرید داشته باشد، در کار خوارزمی وجود ندارد؛ حال آنکه مدخلهای میر سید شریف اعم اغلبشان، امور انتزاعی‌اند و سایه تصوف ابن عربی و کلام اشعری را بر اکثر مدخلهای او می‌توان مشاهده کرد.

شاید دایره مفهومی «معرفت» در کار میر سید شریف گسترده‌تر از کار خوارزمی باشد و «علمی» که به اصطلاحات آنها می‌پردازد، «علوم» بیشتری باشند اما به هنگام ارزیابی این علوم، درجه ارتباط آنها با زندگی، بسیار ناچیز است. همین مسأله به تنهایی تفاوت «نگاه» ایران قبل از مغول و ایران بعد از مغول را به بهترین شکلی می‌تواند تصویر کند.

علمی که خوارزمی بدانها پرداخته است، تقریباً، علوم ضروری عصر است که پیوند با زندگی انسان عصر او دارد از قبیل فقه، کلام، نحو و صرف و آیین مکاتبات

(۱) هر دو کتاب به فارسی ترجمه شده است؛ اثر خوارزمی توسط شادروان استاد سید حسین خدیوجوم و اثر میر سید شریف توسط آقای دکتر حسن سید عرب.



• دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (عکس از: مجتبی سالک)

و مراسلاتِ دیوانی و شعر و شاعری و عروض و تاریخ ملل جهان و تاریخ ادیان و کشاورزی و منطق و پزشکی و حساب (علم عدد) و هندسه و نجوم و موسیقی و مکانیک و کیمیا (شیمیِ قدیم). تمام این دانشها ضروری بودند نشان برای زندگی در آن روزگار، امری است روشن و بدیهی.

اما در علمی که میر سید شریف بدانها پرداخته است «کشاورزی» و «موسیقی» و «آیین مراسلات و مکاتبات دیوانی» (که علم وقوف بر ساختارِ اداری مملکت است) و مکانیک و شیمی یکسره حذف شده است و جای خود را داده است به حجم گسترده‌ای از اصطلاحات و مفاهیم تصوف، بویژه تصوف ابن عربی. همین حذف کشاورزی و موسیقی و مکانیک و شیمی و فنّ مراسلات دیوانی برای نشان دادن چشم‌اندازِ معاصران میر سید شریف بسنده است بویژه که لبریز کردن کتاب از مفاهیم اصطلاحات تصوف هم به تنهایی می‌تواند نشانهٔ برجسته‌ای از انحطاط به شمار آید. درصدِ مدخلهایی که میر سید شریف به «علم» و بنیادهای منطقی معرفت، پرداخته در قیاس با خوارزمی بسیار کمتر است. اگر از چشم‌انداز «انسان‌نویسی» و «استغراق» در عبارات ابن عربیک - که تمام آن، از چشم‌اندازی، گزاره‌هایی فاقد معنی مُحصَل است - بنگریم حجم قابل‌ملاحظه‌ای - شاید حدود ۳۰ - ۴۰ درصد کتاب میر سید شریف را - مصطلحات و مفاهیم برخاسته از تصوف ابن عربی و کلام اشعری تشکیل

می‌دهد، حال آن که در مفاتیح العلوم خوارزمی چنین نیست و تمام مدخلها - حتی مباحث مربوط به کیمیا - همه دارای انضباط منطقی و عقلانی است.

کسی که به مقایسه «صوری» کار این دو تن بپردازد در همان نگاه نخست متوجه انسجام و انضباط علمی مفاتیح العلوم می‌شود و از سوی دیگر در تمام صفحات کتاب تعریفات جرجانی نشانه‌های بیماری عرفان‌زدگی - آن هم عرفان ابن عربی که انسان را فقط در عالم حضرات خمسة الاهیة می‌تواند ببیند - همه جا مشاهده می‌شود. در همین نگاه صوری که به هر حال نمایشگر روش‌دانی خوارزمی و روش‌ندانی یا انکار روش از سوی میر سید شریف است - خواننده متوجه می‌شود که در تمام اجزای عبارات خوارزمی یک نگاه منطقی و علمی و «انسان‌مدارانه» وجود دارد و در نگاه میر سید شریف، این عالم یگانه عصر خود، «خیال‌گرایی» و «تجربه‌گریزی»، همه جا، موج می‌زند. این نگاه انسان‌مدارانه خوارزمی را حتی در همان چند سطر خطبه آغاز کتاب می‌توان دید که می‌گوید: «الحمد لله الذی فضل الإنسان علی سایر الخلق» و در خطبه میر سید شریف سخن از خدا هست و از انسان خبری نیست. درست است که خطبه او بسیار کوتاه است. این تمایز جامعه قبل از حمله تاتار و بعد از حمله ایشان است.

۱۳

مهم‌ترین امتیاز خوارزمی، در قیاس با میر سید شریف، از منظر روش‌شناسی، آگاهی دقیقی است که خوارزمی نسبت به وجه تاریخی و نسب‌شناسی مفاهیم و مسائل دارد که مثلاً این مسئله از فرهنگ ایران باستان سرچشمه گرفته و این مسئله از فرهنگ هند یا یونان برخاسته است.

در توضیحات خوارزمی عبارات شاعرانه و عاطفی و emotive بسیار نادر است ولی در نوشته میر سید شریف عباراتی که توجیه منطقی و عقلانی کامل داشته باشد کمتر می‌توان یافت. منظوم این نیست که گزاره‌های منطقی و عقلانی، در کتاب میر سید شریف به کلی غایب‌اند ولی اگر یک بخش مشترک میان این دو کتاب را - که در حوزه علوم خالص دنیای قدیم از قبیل هندسه یا حساب باشد - مقایسه کنیم، نوع «روش» و زبانی که مؤلفین ما، در این حوزه خاص به کار می‌برند، به کلی متفاوت است. البته هیچ کس نمی‌تواند تسلط شگفت‌آفرین و شگرف میر سید شریف را بر «منطق» انکار کند که در نوع خود بی‌مانند است و بر سراسر کتاب او سایه افکنده است، بویژه از منظر «جامع» و «مانع» بودن «تعریف»‌ها.

حتی در مباحث مرتبط با بلاغت و علوم ادب هم خوارزمی بسیار ارسطویی‌م‌شرب و «یونانی‌م‌آب» حرکت می‌کند و از میراث یونانی دوری نمی‌گزیند حتی در مباحث ویژه نحو عربی از غرامطیقی سخن می‌گوید یعنی از Grammatikē اما میر سید شریف

با برف انبار مفاهیم و مصطلحات کار را بر خواننده و مخاطب غالباً دشوار می‌کند، اگر من اشتباه نکنم.

به همین دلیل، یک صفحه تصادفی این دو کتاب را اگر با یکدیگر مقایسه کنیم، با در نظر گرفتن سطرها و کلمات موجود در این دو صفحه، درجه اطلاع‌رسانی خوارزمی به لحاظ سادگی و صراحت چندین برابر درجه اطلاع‌رسانی میر سید شریف است. در اینجا بحث بر سر نگاه علمی این دو مؤلف، و طرز تلقی ایشان از علم و معرفت نیست. تنها حجم کلمات و عبارات و بازده اطلاع‌رسانی این کلمات و عبارات مورد نظر است.

اگر روزی دانشجویی از دانشجویان رشته «فلسفه» یا «تاریخ» یا «تاریخ علم» این دو کتاب را، ازین چشم‌اندازها، که بدان فقط اشارت کردم، تحلیل دقیق علمی کند، می‌تواند تأثیر منفی و ویران‌کننده حمله تاتار و سلطه اشعریّت و تصوف بویژه تصوف ابن عربی را بر تمام حوزه‌های فرهنگ ایرانی نشان دهد و این یکی از ضروری‌ترین مسائل تاریخ اجتماعی و فرهنگی ماست. آثار سوء چنین نگاهی، هنوز هم بر چشم‌انداز ما در حوزه «فلسفه» و «معارف سنتی» خودمان سایه افکن است که هیچ چیز را در زندگی خودمان و در روی «زمین» نمی‌خواهیم ببینیم و همه چیز را در «آسمان» می‌جوئیم و در عالم تجرید و انتزاع و این چیزی نیست جز نفی اومانیسیم و حتی بستن راه‌ها به سوی اومانیسیم.